

## بررسی شیوه های تدفین در دوران ایلام جدید از ۸۱۴ تا ۵۴۰ ق.م

محمدزمان خدایی<sup>۱</sup> حسین بااحمدی<sup>۲</sup>

۱ - استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز، ۲ - کارشناس ارشد تاریخ ایران باستان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

[hosbab@yahoo.com](mailto:hosbab@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۹۰/۹/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۰/۲۸

### چکیده:

بعد از فروپاشی سلسه شوتروکیها و به سر آمدن دوران پرشکوه ایلام میانه سرزمین ایلام در هاله ای از ابهام فرو رفت تا اینکه در سال ۸۱۴ ق.م دوباره از این تاریکی بیرون جست که این امر را می توان با وجود اسناد و شواهدی ثابت کرد. در دوران سلسه های جدید نیز ایلامیان در فرهنگ و تمدن همانند دوران قبل رشد چشم گیری داشتند و آثار و بقایای بجای مانده از آنها به آن اشاره دارد. در این مقاله سعی بر آنست تا با بررسی شیوه های تدفین و به خاکسپاری مردگان دوران ایلام جدید در محوطه های مختلف قلمرو آن درک روشنی از سنتهای تدفین این دوران ارائه دهیم.

واژگان کلیدی: ایلام جدید، تدفین، هدایای تدفینی، ارجان، جوبجی، شوش، گتوند، آرامگاه سنگی.

## مقدمه:

در نیمه اول هزاره اول قبل از میلاد و پیش از تأسیس امپراطوری هخامنشی دوره ایلام جدید که یکی از ناشناخته ترین دوره های ایلام باستان بود در جنوب غربی ایران دوباره تجدید حیات پیدا می کند. اما در طول ۸۰ سال کاوش فرانسویان در شوش که بخشهای مختلفی حفاری گردید، یکی از مهمترین این بخش ها شهر شاهی II می باشد. البته لازم به ذکر است با وجود کاوشهای دمرگان، دمنکم و گیرشمن در این بخش هنوز پاسخی روشن در رابطه با این دوره از تمدن ایلام بدست نیامده است. با وجود این آثار برجای مانده از این دوره که می تواند مورد مطالعه قرار گیرد کاوشهای رولان دمکنم می باشد که در لایه های ایلامی جدید چندین گور و دخمه از خشت و آجر که دارای وسایل و هدایای تدفین بودند شناسایی گردیده است. اشیایی که از قبور بدست آمده عبارت بود از خمرهایی با گردن بلند و ته نوک تیز، قبرهای بدست آمده در زیر حیاط مرکزی کاخ قرار داشتند که بعد از کاوش، دمکنم پنج دوره تدفین را برای آنها قائل شد که دوره سوم دوره (c) ایلام میانه و دو دوره آخر (e و d) مربوط به دوره ایلام جدید بود که دو مرحله را در بر می گرفت، در همین تل شهر شاهی آثار دیگری از این دوره و از جمله ساختمانهای مربوط به دوره ایلام جدید بدست آمد اما قبور آن در اصل گودالهایی در وسط زمین و دخمه هایی ساخته شده با خشت خام یا آجر به علاوه یک بنا (شاید عبادتگاه) که با کف آجر فرش و تعداد زیادی گل میخهای تزئینی مشخص شده بود در گمانه شماره ۱ از زیر خاک هویدا گردیدند که

حفار تاریخ آن را بابلی جدید می داند در ادامه این کاوشها بویژه در سال ۹-۱۹۴۸ گیرشمن در حاشیه غربی شهر صنعتگران کارگاهی را موسوم به دهکده پارسی کاوش کرد که لایه I آن متعلق به قرنهای هفتم تا ششم می باشد. بعلاوه طبقه های ایلامی جدید هم در شهر شاهی I مورد حفاری قرار گرفت که چندین گور متعلق به قرنهای نهم و دهم از زیر خاک بیرون آورده شد. اما قبور کاوش شده مربوط به این قرون نبوده و تاریخی بین قرن هفتم را در بر می گرفته، لایه (XA) و (IXA) هم مربوط به قرن هفتم تا ششم بوده که در این لایه نیز هیچ گونه اثر معماری بدست نیامده و فقط چندین قبر از زیر خاک بیرون آمد که گزارش آنها هنوز منتشر نشده است. شش قبر و یک دخمه نیز که طبقات ۸ و ۹ را بریده و قطع کرده است در ابتدای لایه ۷ حفر گردیده بود و قبرها عبارت بودند از گودالهای ساده ای که اسکلت متوفی به صورت دراز کشیده همراه با اشیای تدفینی از نوع ظروف سفالی (در یک مورد یک جام مفرغی) و قبری با شماره T671 با دیوار شماره ۶۸۵ پوشانده شده بود بر فراز دخمه گود شده، و یک زاویه آن را بریده بود. دخمه مورد مطالعه از خشت ساخته شده و در پشت یک چاه ورودی که به چند پله منتهی می شد قرار داشت. این دخمه دارای طاقی به ابعاد ۲/۲۰×۲/۵۰ متر پهنا و حدود ۲ متر ارتفاع بود. این دخمه بازمانده های ۶ جسد را در برداشت که به دنبال هم در آن به خاک سپرده شده بودند و وسایل فراوان تزئینی و سفالهای گوناگون به همراه داشتند. در لایه ۹ سه طبقه مورد کاوش قرار گرفت که یک ساختمان با حیاطی به شماره ۷۳۶ مورد

همدوره و یا اندکی عقب تر هستند هماهنگی جالبی را با یکدیگر بر قرار کرده اند که اجازه بررسی بیشتر را به ما می دهد. این مواد را می توان با موادی که دمکنم در دوران دخمه هایی با تاریخ بابلی جدید و یا فرجام ایلام بدست آورده است و یا اشیایی که گیرشمن از لایه I دهکده هخامنشی و موادی که گیرشمن در کارگاه A شهر شاهی و مخصوصاً لایه های (IX A و VIII A) که به ویژه در درون دخمه ها به دست آورده است می توان مقایسه کرد. تاریخ این مواد را می توان در محدوده یک ترتیب تاریخی بین قرن هفتم تا ششم ق.م و دارای مواد مشابه با بین النهرین و لرستان دانست و این فرضیه را پذیرفت که تاریخ لایه های ۶ و ۷ به دنبال ویرانی و انهدام شوش بدست آشوریان بوده است. (دومیروشیجی، ۱۳۷۶: ۹۹-۸۹).

#### قبور ایلامی جدید در شهر شاهی شوش:

در قطعات EF11 و G10 تعدادی مقبره قرار گرفته اند که به ترانشه 7B وابسته هستند این وابستگی توسط آزمایشات چینه شناسی بصورت قطعی ثابت شده است. این ۴ گور بوسیله خاک یا دیوار ترانشه 7A مهر و موم شده اند. سنگ قبر TV34 خصوصیات خاصی از گونه شناسی را نشان می دهد اما مقبره های دیگر را می توان به ترانشه 7A نسبت داد. این مقبره ها در یک زمان خاص حفر نشده اند. اما تسلسل تاریخی آنها مشکل است. قدیمیترین آنان به نظر مقبره ۷۳۴ می باشد که کوزه هایی در آن یافت شده است که از لحاظ گونه شناسی به ترانشه ۸ نزدیک می باشند و بطور کلی از دیگر مقبره ها متمایز می باشند. با این وجود کوزه های مشابه ای

کاوش قرار گرفت که در بر گیرنده چندین اجاق و یک چاه بود که بعد از رهایی محل چاه مورد نظر به عنوان گودال و سپس به صورت قبوری ساده مورد استفاده قرار گرفت. در لایه ۱۰ هم چندین قبر در برش فوقانی (C-D) مشاهده شد که این اجساد به صورت ساده دفن شده بودند. لازم به ذکر است که دوتای آنها قبل از ساختمانهای لایه ۹ حفر شده بودند. با توجه به آثار و شواهد موجود در قبرهای بدست آمده در محل تلاقی لایه های ۹ و ۱۰ احتمال ترک و رهایی این بخش در طول مدت زمانی نامعلوم تقویت می شود. همچنین در محل تلاقی لایه های ۸ و ۷ بعد از لایه ۸ که طبقه های ضخیم خاکستر آلود آن نشان از انهدام و ویرانی آن دارد به نظر می رسد اشغال و سکونت این بخش تغییر ماهیت داده است. بدین معنی که ابتدا از آن برای محل تدفین استفاده شده و سپس چند ساختمان بطور پراکنده به دور آن بنا شده است. در لایه های ۷ و ۶ به دلیل ایجاد گودالهای اسلامی و پی ریزیهای دیوارهای اشکانی و نیز مجراهای سیلابی و آبرفتی شاهد بهم ریختگی هستیم که اشیاء و موارد بر جای مانده را دچار اضطراب کرده اند. سفالهایی که در این لایه ها به دست آمده شباهت زیادی با سفالهای دخمه ۶۹۳ در لایه ۸ دارد. همچنین در این لایه ها ظروف برنزی که دارای زاویه ای در نیمرخ هستند، ابزار جنگی، آلات آهنی، سنجاقهایی با ساقه آهنی و نوکی از جنس قیر پوشیده از یک ورقه طلا همراه با تزئین، همچنین مهر هایی از جنسهای گوناگون و یک مهر استونه ای از جنس سفال لعابدار یافت شده است. آثاری که از دخمه ۶۹۳ و قبرهای مجاور آن که با این دخمه

روی آن قرار گرفته است، سه اسکلت دیگر که تا کنون بررسی نشده اند در قطعه F11 قرار دارند. مقبره ۷۵۵ که در جنوبی ترین قسمت قرار دارد در دیوار ۷۵۳ قرار گرفته است و توسط دیوار ۷۳۱ (ترانشه ۹) احاطه شده، مقبره ۷۵۴ توسط شکاف دومرگان احاطه شده و مشکل است که بگوئیم به کدام گروه تعلق دارد. مقبره ۷۶۶ در مقابل دیوار ۷۳۱ قرار گرفته است و به نظر می آید که گودال حفر شده برای گور در بالای ترانشه ۹ قرار دارد.

ب- مقبره های ۷۰۵، ۷۳۴، ۷۲۶ و ۷۰۷:

در این مقبره (۷۲۶) اسکلت یک غیر انسان ( حیوان ) و قطعات شکسته آجر به صورت بهم ریخته مشاهده می شود تمام علائم نشان می دهد که این تدفین با عجله انجام شده است. در این تدفین جسد به پشت افتاده و پاها به سمت بالا خم شده اند، دست چپ باز و دست راست به صورت جمع شده روی سینه قرار دارد. این گور فاقد هر گونه شیء تدفینی است. گودال مقبره ۷۳۴ به ابعاد  $۰/۳۵ \times ۲/۰۵$  سانتی متر می باشد. این گور از دو دیوار آجری تشکیل شده که بدن یک انسان بالغ به صورتی که سرش به سمت جنوب و دستهای آن روی سینه گذاشته شده است، روی پاها و پشت سر جسد هدایای تدفینی قرار گرفته است که روی پاها اسکلت سنگ قبر، یک استخوان کوچک، یک کاسه کوچک و یک کوزه خاکستری قرار دارد و پشت سر جسد فقط تکه ای استخوان مشاهده می شود. مقبره های ۷۰۵ و ۷۰۷ گودالهایی ساده در زمین هستند و در شمال ترانشه ۱۰ G قرار دارند، مقبره ۷۰۵ دارای جهت شمال

در آنجا پیدا شده است. با بررسی سنگ قبر جسد ۶۹۳ می توان گفت که تقریباً همزمان با مقبره ۷۶۲ حفر شده است. با بررسی دقیق مقبره های ۶۷۴ و ۶۸۵ و تعیین تاریخ برای مقبره ۶۷۲ که در مرکز ترانشه دومرگان حفر شده است هیچ گونه تاریخ دقیقی را نمی توان برای این مقبره متصور شد. البته شاید بتوان گفت که مقبره ۶۷۲ هم عصر با مقبره ۶۷۴ می باشد. اما این فرضیه خیلی دقیق نمی باشد و فقط به طور تقریبی می توان آن را بیان کرد. در مورد مقبره های ۷۰۵ و ۷۰۷ باید گفت که این دو مقبره کمی پایین تر از قسمت خاک برداری شده قرار دارند (5B) با مقایسه سنگ قبر این مقبره ها با مقبره هایی نظیر ۷۳۴ می توان مشاهده کرد که هیچ گونه تفاوتی با دیگر مقبره ها ندارند. با این حال امکان دارد که مقبره ۷۰۵ با ترانشه 7A ارتباط داشته است.

الف- مقبره های ۷۳۲، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۶۶

این چهار مقبره نسبت به ساختمانهای ترانشه ۱۰ قدیمی تر هستند و در قطعه های E10 و E11 قرار گرفته اند. بجز مقبره ۷۵۵ که مطمئناً قبل از ساختمان ترانشه ۹ حفر شده است. مقبره ۷۳۲ (تصویر ۱) در مکان هندسی ۷۲۸ قرار گرفته است، این مقبره یک گودال ساده در زمین است به طرف شمال غربی- جنوب شرقی، از بقایای این قبر فقط یک اسکلت مانده است که مشکل است بگوئیم آیا قبل یا بعد از ساختمان ترانشه ۹ حفر شده است. اسکلت این جسد به صورت برعکس قرار گرفته، صورتش به سمت غرب بوده و یک سنگ قبر ساده و بی تکلف که از دو قطعه دیوار گچ بری ساخته شده است بر

طی کاوش در محوطه کلانتر ۴ شش ترانسه ایجاد گردید. که در ترانسه های I و V به ترتیب دو گور کاوش شد. که تقریباً از جهاتی با یکدیگر شباهت داشتند در این بین فضاهای معماری هم در ترانسه های II و III و VI مورد کاوش قرار گرفت که به گفته حفار منطقه در ارتباط به ترانسه های I و V می باشند. البته لازم به ذکر است که در سال ۱۳۸۷ تعداد ۵ گور در محوطه های کلانتر ۱ و ۲ توسط آقای پیمانی مورد کاوش قرار گرفت که طبق نظر حفار تاریخ آنها به دوران ایلام میانه بر می گردد.

#### الف- ترانسه I

در غربی ترین محوطه در جایی که حفاران غیر مجاز ایجاد حفره کرده بودند ساختار کامل آرامگاهی پدیدار شد. طول ترانسه جهت شرقی - غربی ۸ متر و عرض آن در جهت شمالی - جنوبی ۴ متر است در اثر حفاری غیر مجاز بخش زیادی از سقف آرامگاه تخریب شده بود و اشیاء درون گور مورد دستبرد قرار گرفته بودند. برای ایجاد آرامگاه در ابتدای کار یک چاله بزرگ را درون قبر طبیعی زمین می کردند و سپس آرامگاه با استفاده از سنگ و ملات گل درون این چاله ساخته شده و بخش بالای آرامگاه بیرون از خاک بوده و قابل مشاهده است به همین خاطر این آرامگاه را می توان از نوع آرامگاه های نیمه زیرزمینی دانست (تصویر ۳)، اکثر سنگهایی که در این آرامگاه به کار رفته است در ابعاد تخته سنگ و قلوه سنگ می باشند. سنگها اغلب بدون تراش بوده ولی با این حال منظم هستند. البته ممکن است که سنگهای کوچک با ضربه قلم و چکش تراش خورده باشند ولی اکثر

غربی - جنوب شرقی است و از شمال توسط حفره هایی قطع شده است. اجساد در آنها به پهلوی راست می باشند، پاها خمیده و دستها کمی جمع شده اند، سنگ قبر از مس یا برنز می باشد. دست چپ شخص متوفی در حالت دفاع قرار دارد و از هدایای تدفینی همراه با متوفی می توان به یک جام اشاره کرد که نزدیک دهان او قرار داشت. مقبره ۷۰۷ عمودی است و قدمت بیشتری دارد و در قسمت شرقی قرار دارد بطوری که پاهای اسکلت روی شانه اسکلت ۷۰۵ قرار دارند، گودالی حدود ۱/۶۵ سانتی متر اما خیلی باریک، جایی که احتمالاً یک زن جوان می باشد. به سمت چپ خوابیده و همراه آن اشیاء تدفینی زیادی وجود ندارد و فقط یک بشقاب را می توان از هدایای تدفین بر شمرد. بجز سنگ قبری که روی پاهای شخص متوفی قرار دارد ظاهراً اشیاء دیگری هم پشت سر او قرار داشته اند (تصویر ۲). (Demiroschedji, 1981:16-40 همچنین در بررسی بسیاری از گورهای این دوران مشخص شد که سردیسهای تدفینی زیبای ایلام میانه که در آن طبیعت گرایشی و شکل بخشی به حد اعلائی خود رسیده بود یکباره جای خود را در دوران ایلام جدید به آثاری می دهد که به هیچ وجه نمی توان آنها را نوعی اثر هنری به حساب آورد این سردیسها صرفاً از تکه گلهایی هستند که بر آنها جزئیات صورت در نهایت سادگی با خطوط کج و معوج ترسیم شده است. (مجید زاده، ۱۳۸۶: ۹۳).

\*\* قبور ایلامی جدید در گورستان کلانتر ۴ (پشت سد گتوند):

سنگها از جنس سنگ لاشه هستند با توجه به وجود تخته سنگی عظیم که در جهت شمالی - جنوبی بر روی دو دیوار طولی و در منتهی الیه بخش غربی آرامگاه وجود دارد. به احتمال از این سنگهای بزرگ برای سقف آرامگاه استفاده کرده اند. البته به علت تخریب سقف توسط حفاران غیر مجاز نمی توان ترتیب سنگها را دید، طول آرامگاه در جهت شرقی - غربی ۶۶۸ سانتی متر و عرض آن در جهت شمالی - جنوبی ۲۲۰ سانتی متر می باشد. هدایایی که در این قبر یافت شده شامل سفال، مهره عقیق و قطعات مفرغ با شکل نامشخص است. (تصویر ۴)

#### ب- ترانشه V

ترانشه V در قسمت جنوب شرقی محوطه کلانتر ۴ و به فاصله ۱۴/۷۵ متری غرب روستا و بین ترانشه های II و IV قرار دارد. این آرامگاه همانند آرامگاه شماره ۱ به صورت نیمه زیرزمینی بوده و ابتدا چاله ای مستطیل شکل درون زمین ایجاد شده و سپس آرامگاه با استفاده از سنگ درون این چاله بنا گردیده است. این آرامگاه از نظر چیدمان سنگها و جنس سنگ آهکی می باشد. جهت قرار گیری آرامگاه (شرقی - غربی) مانند آرامگاه قبلی می باشد تنها تفاوت در کوچکتر بودن آرامگاه شماره ۲ وجود دو فضا در آرامگاه شماره ۱ و یک فضا در آرامگاه شماره ۲ است. طول آرامگاه در جهت شرق به غرب ۴۱۲ سانتی متر و عرض آن در جهت شمال به جنوب ۱۹۴ سانتی متر است. مهمترین چیزی که در درون آرامگاه یافت شده اسکلت متوفی است که بر اثر ریزش سقف آرامگاه بسیار مضطرب شده است.

آنچه یافت شده به احتمال قریب به یقین مربوط به یک جسد می باشد. این جسد در نیمه شمالی گور چسبیده به دیواره شمالی بدست آمده است به صورت ذهنی به نظر می رسد که سر در قسمت غربی و لگن در قسمت شرقی قرار داشته است و از این جهت می توان گفت که تدفین شرقی - غربی است. در این اتاق در قسمت جنوب غربی فک متعلق به بز یا گوسفند یافت شده است. بقیه آثار یافت شده بسیار اندک و پراکنده بوده و نمی توان وابستگی خاصی بین آنها و جسد ایجاد کرد. در این آرامگاه مقداری سفال، مهره عقیق و بخشی از نوک یک جنگ افزار آهنی مشاهده شده است. همچنین در خلال کاوش در منطقه کلانتر ۴ بقایای یک محوطه استقرار بزرگ در درون محوطه آرامگاه بدست آمده که قلوه سنگ های متوسط و بزرگ و سنگ های حجاری شده و همینطور تخته سنگهای بزرگ همراه با ملات گل مصالح اصلی معماری این فضاها را تشکیل می داد. وجود این فضای استقرار بزرگ این احتمال را می دهد که ما با مجموعه ای از آرامگاهها مواجه هستیم که این گونه حفاظت و حراست را طلبیده است البته می توان گفت که شاید آرامگاهها به تبعیت از واحد استقرار بنا شده اند به این صورت که ساکنان کلانتر ۴ نخبگان سیاسی و بزرگان خود را درون محوطه استقرار خود دفن می کردند. از آنجایی که آرامگاهها مورد دستبرد قرار گرفته بودند از وضعیت اجساد یا جسد در درون گور اطلاعات زیادی نداریم و اطلاعات ما فقط از ساختار معماری قبور و تعدادی تکه سفال و چند مهره سنگی و قطعات ریز استخوان است. آرامگاه شماره

مرتبط به هم را برای سکونت فراهم آورده اند، داده های بدست آمده از آرامگاه ها از جمله شیوه ساخت و نوع سفالها نشان از اشتراک فرهنگ میان فضاهاى مسكونى و آرامگاه دارد و به احتمال زیاد آرامگاه ها مربوط به ساکنان این محوطه اند. (ولى پور، ۱۳۸۹).

### آرامگاه ایلام جدید در ارجان ( بهبهان )

مقالات متعددی در رابطه با تاریخ گذاری آثار مکشوفه از ارجان منتشر شده است. روی هم رفته می توان گفت. این آرامگاه متعلق به کیدین هوتران پسر کورلوش یکی از پادشاهان محلی دوره ایلام نو است. به هر حال آثار موجود در این مقبره به لحاظ تاریخ گذاری به زمانی از اواخر هزاره دوم ق.م تا اوایل هزاره اول نسبت داده شده است. در مطالعات اولیه تاریخی آثار ارجان را به نیمه اول قرن هشتم ق.م نسبت داده اند. (چایچی امیر خیز و سعیدی هرسینی، ۱۳۸۱: ۶۴) در بین ظروف فلزی گلدانهای برنزی و تنگ نقره ای دارای نمونه هایی طبقه بندی شده و قابل مقایسه می باشند، گلدان برنزی مکشوفه در گور ارجان را می توان با نمونه های برنزی در گوری در شهر شاهی II در لایه B ۷ مقایسه کرد. طبق لایه نگاری های انجام شده در شوش ( شهر شاهی II لایه های 7B تا ۶ متعلق به ایلام نو می باشند) نمونه های دیگری هم در شمال ایران و در لرستان یافت شده است که تاریخی مصادف با هزاره اول ق.م را در بر دارد. نزدیکترین شیء قابل مقایسه با تنگ نقره ای ارجان را می توان در لایه های ۸-۹ شهر شاهی II مشاهده کرد. (علیزاده، ۱۳۶۵: ۲۷۸-۲۶۶) پیردمیروشچی در گور شماره ۶۹۳ در شهر

۱ در محوطه کلانتر ۴ به علت اینکه دستبرد در آن صورت گرفته بود در رابطه با بازسازی رتبه اجتماعی صاحب و یا صاحبان گور با مشکل مواجه شد. ولی از آنجایی که گور مورد نظر بزرگ می باشد لذا باید شأن بالایی را برای صاحبان و یا صاحب گور قائل شد. کوچکتر بودن آرامگاه شماره ۲ نسبت به آرامگاه شماره ۱ می تواند نشانگر پائین بودن نسبت اجتماعی فرد یا افراد درون گور را بر ما روشن سازد کمی اشیاء بدست آمده در آرامگاه شماره ۲ و جنس آنها هم می تواند یکی از این دلایل باشد. البته به علت وجود خنجر (جنگ افزار آهنی) در کنار اسکلت می توان رتبه اجتماعی نسبتاً بالایی را برای صاحب گور قائل شد نزدیکی گورستان ها به فضاهاى معماری را می توان این گونه مشخص کرد که این آرامگاه ها درون بافت استقرارى محوطه قرار دارند. با بررسی سفالها موجود در کلانتر ۴ حفار منطقه بحث تک دوره ای بودن این محوطه را مطرح می سازد. یعنی اینکه پس از پایان یافتن این دوره فرهنگی مردمان دیگر با فرهنگ جدیدتر و یا متفاوت در این محوطه اسکان نیافته اند. تمامی ساختارها و فضای معماری بدست آمده از تمام ترانشه ها همگی به یکدیگر مرتبط بوده و معماری یک دوره را نشان می دهند. همچنین آرامگاههای نزدیک این ۳ ترانشه در ارتباط با معماری این ۳ ترانشه هستند. با کاوش در این ۳ ترانشه فضاهاى معماری با ساختارهای سنگی بدست آمده اند که در کنار داده های دیگر نشان از یک استقرار مسكونى عادى دارند و ساکنین محوطه توانسته اند با ارتباط دادن فضاها به یکدیگر از طریق درگاهها یک مجموعه نسبتاً بزرگ معماری



شاهی II گوری خشتی را از زیر خاک بیرون آورد. که با توجه به همسان بودن اشیاء مفرغی بدست آمده از این گور با گوری که در ارجان به دست آمده بودمی توان تاریخ آن را به دوران پایانی حکومت ایلام نسبت داد در این آرامگاه (۶۹۳) دو سنجاق آهنی کوچک که روی نوکشان را با قیر اندود کرده بودند با مقداری از طلا که با الکتروم روی آنها را پوشانیده بودند بدست آمد. (پاتس، ۱۳۸۵: ۴۶۹-۴۶۸)

فرانسوا والا در مقاله ای که با زحمت گرد آوری کرد تاریخ کتیبه را ۵۲۵ تا ۶۴۰ ق.م می داند این تاریخ گذاری براساس اصول شکل شناسی کلمات و مشخصات زبان شناختی با استفاده از متون MDP و BA (نامه های نینوا)، پلاک برنزی تخت جمشید و کتیبه ها و مهرهای اقتصادی یافته شده از شوش محقق شد. (علیزاده، همان).

#### الف- گزینش نمونه اشیای مقبره ارجان:

##### تابوت برنزی ارجان:

مقبره زیر خاکی چهار گوش با حفره ای به ابعاد  $۲/۵۰ \times ۱/۳۶ \times ۰/۹$  قرار داشت. این مقبره توسط لایه های سنگی قرار گرفته در سنگ گچ درست شده بود که با لایه ای از گچ پلاستر شده بود. روی این محفظه (منظور اتاقک قبر) تا پنج لایه سنگ بزرگ پوشیده شده بود. (Majidzadeh, 1981:131)

آرامگاه حاوی تابوتی برنزی به شکل U به ابعاد  $۱۳۲ \times ۶۰ \times ۶۰$  سانتی متر بود (تصویر ۵). استفاده از تابوت در ارتباط با مراسم تدفین از نظر قرار دادن آن در داخل آرامگاه و محتویات داخل و اطراف آن در

داخل مقبره شیوه های مختلف تدفین را در هر دوره مشخص می کند. استفاده از تابوت فلزی در دوره ایلام نو تا کنون بی سابقه بوده است و باید قبول کرد که تا قبل از زمان کیدین هوتران به احتمال از تابوت فلزی استفاده نشده است. البته باید در نظر داشت که در نیمه اول هزاره اول ق.م در زیویه و بعدها در دوران هخامنشی از این نوع تابوتها برای دفن مردگان استفاده می شده است. تابوت فلزی آرامگاه ارجان را از نظر فرم با تابوتهای سفالی ایلامی می توان مقایسه کرد ولی از نظر تکنیک و اجرای تزئینات میخهای برجسته در لبه پائینی و بالایی و محل اتصال قطعات در نوع خود بی بدیل می باشد. اجرای تزئینات با میخهای برجسته تاکنون در هنر ایلامی نیمه اول و دوم هزاره اول ق.م مشاهده نشده است ولی ادامه این سبک رادر دوره های بعدی به وفور می توانیم مشاهده کنیم. از آنجایی که آرامگاه تا حدود ۳۵ سانتی متر از گل و لای ته نشین پر شده بود و چنانچه از دیوارهای بیرونی و داخلی تابوت فلزی پیداست این تابوت برای مدتی در آب شناور بوده و با برخورد به دیواره جنوبی در آب فرو رفته بود. به همین دلیل یعنی پر شدن تابوت از آب و گل اسکلت شخص متوفی به همراه خنجر و غلاف چوبی و تیغه آهنی و دسته استخوانی که احتمالاً از عاج بود به شدت پوسیده شده و بجز اشیاء طلایی بقیه آثار تقریباً پوسیده شده بودند. به علت طول کم تابوت جسد بصورت چمباتمه دفن شده بود و از بقایای پارچه پوسیده شده و ضخامت چندین لایه می توان حدس زد که علاوه بر این که جسد دارای لباسی بوده است مقداری پارچه هم در زیر آن قرار



است و از سویی دیگر یک ارابه - یک قایق و یک سرباز همراه دو سوار به او نزدیک می شوند نیمه دیگر نوار دوم صحنه ای است از یک منطقه مردابی که دو جانور به احتمال گراز از دو سوی نیاها سر خود را بیرون آورده اند و در یک صحنه ماهیگیری با تور با تعدادی پرنده دریایی که در حال پروازند و تعدادی مرغ ماهیخوار مشغول ماهی خوردن هستند. همچنین سگی که دراز کشیده بر روی زمین است و یک صحنه خرما چینی که در آن تعدادی کارگر مشغول کار هستند. (نوار سوم) صحنه جلوس پادشاه را همراه با مقامات برتر کشوری و لشکری به همراه فردی که به حالت التماس جلوی او کمرخم کرده است را نشان می دهد. این شخص به همراه خود هدایایی را حمل می کند که جانورانی از قبیل اسب، پلنگ، ببر و شتر مرغ و تعدادی پرنده همراه یک عقاب به اضافه دو خمره بزرگ که چهار نفر آنها را حمل می کنند را شامل می شود. احتمالاً شخصی که در برابر پادشاه کمر خم کرده حاکم شکست خورده ای است که در نوار دوم به تصرف شاه در آمده است. (نوار چهارم) صحنه پیروزی و جشن و سروری است که از این پیروزی نصیب پادشاه شده است در این صحنه رقاصان و نوازندگان مراسم پیروزی را به همراه مهمانی تشکیل می دهند. بخش دیگر هم مربوط به آشپزی و تهیه غذاست که برای مهمانان در حال تهیه می باشد (نوار پنجم) کاملاً جنبه تزئینی دارد و از یک ردیف شیر و گاو در حال جهش تشکیل شده است که به طور یکی در میان قرار گرفته اند و در آخر یک گل (رژت) شانزده برگ مرکز کف جام را در بر گرفته است. لبه های

داده شده است در عکسی که قبل از بازدید و بررسی از داخل تابوت گرفته شده است مجموعه اسکلت را در قسمت قوسی شکل تابوت نشان می دهد. البته طبق مطالعاتی مشخص شد که به احتمال مجموعه هم مثل استخوان ران در سطح مانده باشد. لازم به ذکر است رنگ استخوانها به علت همجواری با تابوت به رنگ سبز در آمده بود. (توحیدی و خلیلیان، ۱۳۶۱: ۲۵۹-۲۳۲).

### جام مفرغی ارجان:

این جام دارای ترکیب ویژگی های هنری منحصر به فردی است. کتیبه یا صورت اسامی اطراف گردنه جام، نشان دهنده تمثیل حکاکی شده شش شتر مرغ در حال دویدن است و پائین محدب شکل جام به شکل سر چهار شیر است که در گل میخ مرکزی به هم متصل می شوند. (Alvarez- mon, 2008: 130) جام مفرغی ارجان به قطر دهانه ۴۳/۵ و عمق ۸/۵ سانتی متر در درون پنج نوار منقوش به شیوه کنده کاری تزئین شده است (تصویر ۶). موضوعهای نقوش روی جام به طور خلاصه به شرح زیر است. (نوار اول) شامل دو قسمت است یک نیمه شامل صحنه ضیافتی است که در فضای باز در برابر پادشاه برگزار می شود و در نیمه دیگری هفت مرد هر یک جانوری وحشی را بر دوش حمل می کنند که به دنبال آنها یک ارابه دو اسبه و مرد گُل به دستی روان است که اسبی را به دنبال خود می کشد (نوار دوم) نیمی از فضا به صحنه جنگ و آوردن اسرا به حضور فرمانروا اختصاص دارد که در برابر دژ شهر، بر تختی نشسته

نشاندهنده مراسم و نوشیدن چیزی در جام و دیگری بازگشت به مهمانی پس از شکار است. این دو صحنه توسط رشته کوههایی از هم مجزا شده اند.

الف- نوشیدن در مراسم (مراسم نوشیدن شراب):  
در این صحنه فردی شبیه به یک پادشاه بر روی تخت سلطنت نشسته و با پیاله ای در حال نوشیدن چیزی است. در کنار این فرد دو ملازم را می بینم که ریش بر صورت نداشته و نیز افراد کوچک قامتی که درون یک یورت قرار دارند، در مقابل پادشاه هفت مرد ریشدار با لباس های رسمی آشوری مسلک ایستاده اند و میزهایی با پایه های ضربدری در کنارشان قرار دارد. در فاصله دورتری از شاه، دو فرد بدون ریش ایستاده اند که یکی از آنها خمره ای در دست دارد و دیگری ( وسیله ای شبیه به) بادبزی دستی را نگه داشته است، دو چهره بدون ریش در کنار میزی ایستاده اند که نگهدارنده دو خمره یا ریتون بزرگ ( جامهای شراب به شکل سر یا شاخ جانوران) می باشند. بجز افراد کوچک اندام درون یورت، همه افراد کلاه خودهایی بر سر دارند که برجستگی گردی بر روی آن قرار دارد. به نظر می رسد که این کلاه خودها دارای نقابی (آفتابگیری) در قسمت جلویی و یک ردیف گلبرخ می باشند. آفتاب گیرهای لبه دار در کلاه خودها یک ویژگی بارز از کلاه خودهای ایلامی است، حداقل از زمان های ایلام میانه؛ همچنین به نظر می رسد برآمدگی گرد روی کلاه خودها از دوران سوکالماخ در ایلام وجود داشته است.

ظرف ساده می باشد اما بین نوارهای اول، دوم، سوم و چهارم را تزئین گیس باف و حدفاصل نوارهای دوم، سوم، چهارم و پنجم را تزئین طنابی پر کرده است. حقیقت این است که این جام اصولاً ایلامی نیست و به صورت کالایی وارداتی شاید از «بین النهرین» به ارجان رسیده است و هیچ یک از مضمونهای هنری به کار رفته در جام ایلامی نیستند و حتی برخی از آنها در خاورمیانه هم ناشناخته است و شاید به هنر کرت تعلق داشته است مانند عملیات بندبازی، تنها چیزی که در این ظرف ایلامی به نظر می رسد گلک (روزت) می باشد که خاستگاه آن هم نیز سوریه است و بعد از ورود به ایران به یکی از ویژگیهای هنر ایرانی تبدیل شد. از نمونه های این گونه هنر در اشیاء لرستان بسیار یافت شده است. (مجیدزاده، ۱۳۶۹: ۲۵-۱۱) در بررسی نقوش جام برنزی کیدین هوتران به این نتیجه دست یافتیم که احتمالاً یکی از پادشاهان ایلام جهت شکار و استراحت به مناطق کوهستانی و خوش آب و هوای کشور رفته که روزی پیک سریع و مخصوصی از مقرر حکومتی به حضور او می رسد و پادشاه را در جریان شورش داخلی قرار می دهد. شاه ایلامی بدون وقفه و درنگ سوار بر ارابه خود را به کنار رودخانه رسانیده و از آنجا توسط قایقی سلطنتی که برای او تدارک دیده بودند به سوی مقرر حکومتش عزیمت می کند. حاکم بعد از اینکه بر تمام شورشیان فائق آمد دستور داد تا تمام مخالفین را به کارهای اجباری وا دارند و سر دسته مخالفین را به حضور او ببرند. (صراف، ۱۳۶۹: ۲۹) صورت اسامی خارجی جام به دو قسمت توصیفی تقسیم شده است که یکی

ب- بازگشت از مهمانی شکار

پادشاهی را نشان می دهد که درون یک ارابه مربعی شکل قرار گرفته و ارابه ران و یک کودک و چیزی شبیه به یک حیوان کوچک در کنار او می باشند. این ارابه و سرنشینان آن در ورای هفت مردی قرار گرفته که هر کدام ردایی به بلندی قوزک پایشان پوشیده و هر یک جانوری بزرگ را به دوش می کشد. در پشت سر ارابه، فردی با لباس های مشابه قرار گرفته که با دستی گل لوتوس (نیلوفر آبی) را در بالا گرفته و با دست دیگرش افسارگورخر کوچک نژاد ایرانی را گرفته است. تمام این افراد، کلاه خودهای رایج ایلامی را بر سر دارند. جانوران به تصویر درآمده در فهرست اسامی را می توان عموماً بعنوان سه بز کوهی نر شناسایی کرد (با توجه به خمیدگی شاخ ها- که هر کدام یک سال را نشان می دهد- سن هر بز یک سال به سن بلوغ کامل نزدیک شده است) و به ترتیب یک شیر ماده با قلاده، یک روباه، گرگ یا شغال (احتمالاً یک ایکتومون) که احتمالاً نیز قلاده ای به گردن دارد- و یک خوک و یا یک گراز وحشی (یک گراز نر)، جانوران دیگری که در اینجا به تصویر درآمده اند دو اسبی هستند که ارابه پادشاه را می کشند- (Alvarez- mon, 2003:7)

10) با بررسی دقیق ظرف باز به نظر نمی رسد که این ظرف محصول کار آشوریان باشند؛ حتی اگر وجود حکاکی های هم مرکز را بتوان با یکی از ویژگی هایی که در ظروف فنیقیها به طور عمده به چشم می خورد مقایسه کرد باز هم طراحی و تولید ظرف را نمی توان به شمال سوریه و یا لوانت نسبت داد. با این حال تعداد زیادی از عناصر محلی و ایلامی نشان

می دهند که یک آهنگر خبره و با مهارت در طراحی این نوع ظروف تزئینی در جایی نزدیک جنوب غربی زاگرس کار می کرده است و بسیاری از ظروف مورد بحث را ایجاد کرده است- اعم از ظروف عادی برای استفاده عامه مردم. (Stronach, 2005:253)

### حلقه طلایی ارجان:

اثر دیگر یک حلقه طلایی با گلدسته های رو به بالای فروزان بوده که به شکل دیسک می باشند، این نشان (آرم) که ظاهراً متعلق به مقامات بالای اداری آن زمان است در کنار سینه شخص درون تابوت قرار داشت. و طرفین پلاک های (دیسکهای) گرد آن دارای نقوش یکسان می باشند، ظاهراً دارای زوار درخت نخلی (برگ های درختی) و دو عدد هیولای بالدار که قاعدتاً شبیه شیرهایی هستند، می باشند. هر دوی این هیولاهای بالدار بر روی یک زمینه ایستاده اند، و تمام طرح توسط روبانی بهم پیوسته مزین، احاطه شده است. در حالی که حالت هیولاهای ارژن را می توان بطور قابل فهمی با دیگر هیولاهای سر پا ایستاده مقایسه کرد، که گاهی بطور قابل تشخیصی عضلانی بوده و با موجودات طراحی شده در مهرهای اواخر ایلام نو شباهت دارند. سوالی که مطرح می شود این است که آیا این مقایسه ها بطور کافی متقاعد کننده هستند تا برچسب فرهنگی ایلامی را به آنها بچسبانیم یا خیر. با مطرح شدن این موضوع که آیا می توان این شیء خاص و مجزا رابه نمونه ای از هنر ایلامی نسبت داد و یا خیر، می توان نقاط توازن را بین هیولاهای سلطنتی در (دیسک های (مهری) ارجان و شیردال های سلطنتی و غلاف

پیکره‌های اطلس با ظاهر قابل توجه آشوری است، مثل آنچه بر روی لوحه نقش برجسته سارگون نقش بسته است و در یک حالت تناقض واضح، هر دو گاو نر نزدیک به هم بالا آمده است و نشان دهنده تمثیل‌های شیرهایی هستند که سرشان را به سمت عقب مایل کرده اند (تصویر ۸). Stronach, (2005:253-255).

### پارچه مکشوفه از ارجان:

درباره موقعیت اولیه پارچه در داخل تابوت و نحوه قرار گیری آن اظهار نظرهایی متفاوت شده است. بر اساس اظهار نظر کاوشگران اولیه تابوت و آرامگاه، پارچه‌ها در انتهای تابوت و در کنار پاهای خم شده اسکلت به صورت توده ای مچاله شده قرار داشته است. پارچه به صورت چندین قطعه تا شده درون تابوت قرار گرفته بود. آرامگاه برای مدتی تا ارتفاع ۵۵ سانتی متر در داخل آب قرار گرفته و قسمتی از پارچه به همراه گل و لای و قطعات سبک تر در آب حرکت کرده و به سطح تابوت منتقل شده اند و به همین دلیل تمام آثار گل و لای بر روی تمامی قطعات پارچه ارجان دیده می شود. قطعات پارچه‌های ارجان به صورت توده‌هایی فشرده با اشکالی متفاوت از درون تابوت جمع‌آوری گردیده اند. قسمتهایی از این قطعات به دلیل فشرده‌گی زیاد اندک شباهتی به پارچه ندارند و قسمتی از پارچه در معرض واکنش کربونیزاسیون قرار گرفته و به رنگ قهوه‌ای سوخته در آمده است. از این جهت کنارهم گذاشتن قطعات پارچه هیچ کمکی به مطالعه این اثر نمی‌کند. قطعات سالم یافت

شمشیری پادشاهانه (که توسط حمال پادشاه حمل می‌شد) که در برجسته نگاری‌های اصلی آپادانا در پرسپولیس وجود دارند، بوجود آورد. و احتمالاً اینها بطور خاصی باهم مرتبط هستند. لذا در حالی که هر دوی شیردال‌های - تصویر یافته در پرسپولیس پشت به پشت هم ایستاده اند و این حالت آنها می‌بایست تمام انتهای (بالای) غلاف را پر کند، در حالی که دو جانور وحشی که در ارجان وجود دارند، کامل تر هستند (تصویر ۷). Stronach, 2005:180- (183).

### سه پایه برنزی:

سه پایه برنزی جزء اشیایی است که می‌تواند اطلاعات ارزشمندی درباره تاریخ ارجان را به ما عرضه کند. اشیاء بدست آمده در ایران، لوانت، بابل و اورارتو هیچ کدام قابل مقایسه با نمونه‌های گور ارجان نیستند. با این وجود پایه مربوط به آلتین تپه از نظر کلی دارای سه پایه دارای شیرهای خوابیده است که از نظر سبک شبیه به سه گاو نر خوابیده بر روی قسمت تحتانی پایه برنزی ارجان می‌باشد. از این نظر گذشته تاریخ این پایه را می‌توان با آثار متأخر آشوری یکی دانست. شمشیرهای محافظ بر پایه ارجان بسیار شبیه شیرهای زوج تزئین کننده غلاف‌های آشوری است و شبیه پیکره‌های قدرتمند پایه را می‌توان در شمال سوریه مشاهده کرد، براساس تمام شواهد و قراین تاریخ پایه ارجان را نمی‌توان متأخر تر از ق ۸ ق.م دانست. (علیزاده، همان) سه پایه برنزی ترکیب پیچیده‌ای از سر نخ‌های تاریخی را نشان می‌دهد. از یک طرف، قسمت پایین سه پایه حاوی

سنگهای بزرگی به ابعاد مختلف (بزرگترین سنگ موجود ۱۱×۵۶ سانتیمتر) با ملات گل و گچ و شن ریز و درشت، تشکیل شده بود. درازی آرامگاه بین ۲۲۰ تا ۲۳۰ سانتی متر است و دیواره های آن پس از حدود ۶۰ سانتی متر بلندا که شامل شش رج سنگ چین می شود به طور پلکانی خیز گرفته تشکیل طاقی را داده که یا هلالی بوده و یا با تخته سنگهای بزرگ و مسطح پوشیده شده است. در این آرامگاه دو تابوت مفرغی با رأس هلالی قرار داشت. بقایای اندک اما قابل بررسی استخوانهای انسانی درون تابوتها بر پایه مطالعات انسان شناسی به دو زن تعلق داشته که احتمالاً هر دوی آنها رو به شمال دفن بوده اند. این دو فرد یکی کمتر از هفده سال داشته که در تابوت شرقی آرمیده است و دیگری بین سی تا سی پنج سال داشته و در تابوت غربی مدفون بوده است و به احتمال زیاد از خاندان شاهی ایلامی هستند. زیرا به همراه آنها دو حلقه زرین وجود داشت که نوشته ای به خط میخی و به زبان ایلامی و به سبک ایلام نو (۵۸۵ تا ۵۳۹ پ.م) به نام شوتور نهونته پسر ایندند بر روی یکی از آنها حک شده بود و دیگری به خط میخی و زبان ایلامی، نام (ل-آر-ن) را بر خود دارد که احتمالاً نامی زنانه است. همچنین بر دو روی یک نگین کهنتر از عقیق بابا غوری که در یک گل سینه زرین جدیدتر کار گذاشته شده بود به خط میخی و زبان سومری نوشته هایی حک شده که در نوشته های روی آن نام کوری گلزو و ایزد انلیل آمده و بر پشت آن نیز کتیبه ای مبهم در سه سطر حک شده است. مشخص نیست که منظور کدام کوری گلزوی

شده پارچه ارجان ۱۲ عدد می باشد. این پارچه ها همان گونه که گفته شد به صورت چند لایه بر روی هم تا شده اند لایه لای پارچه و روی آن ذرات گچ، گل و ترکیبات فلزی دیده می شود و تکه هایی از یک ریسمان نازک به صورت قهوه ای سوخته در بین لایه های تا شده وجود دارد. رنگ پارچه ها سبز کم رنگ، سبز پر رنگ، بژ و قهوه ای روشن و سوخته می باشد البته بدلیل همخوابی پارچه با فلز (تابوت) قسمت هایی از پارچه به رنگ سبز در آمده است. قطعات پارچه پیدا شده از درون تابوت به دقت آزمایش شده و جنس کتان آنها تقریباً تأیید شده است. در انتهای یکی از قطعات پارچه گور ارجان تارها به صورت ریشه امتداد یافته و در دو ردیف هشت پر بر روی آنها گلدوزی شده است هر دو تار مجاور یکدیگر بدون تابیدن به دورهم قرار گرفته و تشکیل یک ریشه را داده اند. در بین هر ۹ تار ریشه (۱۸ تار اصلی) و در فاصله ۴ میلی متری از انتهای بافت اولین گل رزت گلدوزی شده است. دومین گل در امتداد طول پارچه در فاصله ۵ میلی متر آن گلدوزی و بعد از ۶ میلی متر که ریشه ها به صورت آویزان مانده اند، در لایه لای قطعات تا شده پارچه ارجان و لایه های رویی قطعاتی از ریسمانی مشاهده شده است که عرض هر لیف حدود ۶ تا ۷ میلی متر می باشد. لازم به ذکر است که این ریسمان کاملاً خشک و شکننده می باشد. (معتقد، ۱۳۶۹: ۹۷-۸۳)

### آرامگاه ایلام جدید در جوبجی (رامهرمز)

این آرامگاه که در میان گل و لای مدفون شده بود. از سازه ای سنگی و مستطیل شکل با لاشه

دقیقاً جانشینانش به کار برده بودند ، درحالی که شوتور نهونته خود از عبارات ساده و بی تکلف " شاه انشان و شوش " و " گسترنده پادشاهی " استفاده کرده است. به نظر وی مهمترین فرق این دو عبارت در شیوه نگارش دو واژه ایلامی (شک) به معنی پسر و(ریشک) به معنی گسترنده است. با بررسی این دو واژه می توان نتیجه گرفت که شوتروک ناهونته پسر هوبن ایمن دوم است که حدود ۷۷۰ قبل از میلاد حکومت می کرده است در حالی که شوترو نهونته پسر هوبن - ایمن سوم است که بین سالهای ۶۹۲ تا ۶۸۹ پیش از میلاد حکومت کرده است. همچنین در منابع بین النهرین شوتروک ناهونته به خوبی با نام شوتور نهونته یا ایشتر - هندو شناخته شده است. درارتباط با شوتروک ناهونته دوم شاید بتوان آجرهای پیش کشی به نیایشگاه اینشوشیناک و نیز سنگ یادمانی شکسته را به او که بین سالهای ۷۱۷ تا ۶۹۹ ق.م حکومت می کرده است نسبت داد. اما در مورد شوتور نهونته، وی کسی است که پس از سقوط شوش، نیایشگاه پی نینکر را ساخته و دو شاخ گچی را به آن پیش کش کرده. بنابراین شوتروک ناهونته دوم حدود ۱۵۰ سال و شوتور نهونته شاهان انزان و شوش که در مهر پسرش هوبن - کیتین در مجموعه بابلی دانشگاه بیل یاد شده، نزدیک به یک سده پیش از شوتور - نهونته پسر ایندد که در نوشته صخره ای هانی در ایذه - مال امیر - از وی نامبرده شده است، حکومت کرده است. و با فرد اخیر ، اشتباه گرفته شده. در حقیقت ، این شوتور - نهونته پس از گذشت بیش از نیم سده از یورش آشور بانی پال که سال ۶۴۶ پ.م ، رخ داده است در زمانی نامشخص

می باشد اول یا دوم ، (پادشاهان کاسی بابل). متأسفانه بخشی از این نگین شکسته و نوشته ها کامل نیست . باقی ماندن و جاسازی آن در نگینی متعلق به نزدیک به یک هزار سال بعد، شاید نشان دهنده موروثی بودن این نگین در خانواده شاهی ایلامی است که شاید شوتور نهونته و ساکنان گور از بازماندگان او بوده اند و نشان دهنده این باشد که نیاکان شوتور نهونته نسل اندر نسل ، شاهانی ایلامی بوده اند. پیش ازکشف این آرامگاه و حلقه زرین به عنوان شوتور نهونته پسر ایندد ، نام این شخص فقط برروی نقش برجسته کول فرح ۱ مشاهده شده است که در آن هانی حاکم محلی آیپیر در صحنه قربانی حیوانات دیده می شود. کتیبه ای به خط میخی ایلامی بر روی جامه وی موجود می باشد که در آن هانی به شوتور نهونته ابراز وفاداری کرده و او را شاه می خواند. نوشته های این نقش برجسته را هانی بر روی نقوش دیگری حک کرده که در دوره حکومت شوتروک ناهونته اول و درست پس از پیروزی نبو کد نزار اول در دوران حکومت ایلام میانه بر روی صخره ها کنده شده بود. بر همین اساس پژوهشگرانی از جمله والتر هینز، شوتور نهونته یاد شده براین نقش برجسته را همان شوتروک ناهونته دوم دانسته و هانی را نیز امیر دست نشانده و همزمان وی (۷۱۷ تا ۶۹۹) ق.م قلمداد کرده است. فرانسوا والا نیز بر این باور است که عناوین و منسبها متفاوت هستند. شوتروک ناهونته اصطلاحاتی کهن را به کار برده که پیش از آن سیو - پلر - هوپک ، سوکل ایلام ( سده ۱۸ ق.م ) مثلاً روی آجر کتیبه داری که از ملیان به دست آمده است و همینطور

اند. از جامه این دو زن، فقط اندکی الیاف پارچه ای کتانی با بافت ساده یکی زیر ویکی رو به دست آمد. انبوه پولکها و دگمه های زرین نشان می دهد که دوختن آنها بر این جامه های ساده، باعث جلوه و شکوه آنها می شده است. گور نهاده های هنری و ارزشمندی که در این آرامگاه قرار داشته به طور کلی شامل زیورآلات زرین به شکل دسته خنجر، حلقه، بازوبند، از جمله دو بازو بند با سر قوچ که دارای گلهای شش پر تو خالی است که با ماده سفید- احتمالاً بدل چینی یا گچ- مینا کاری شده اند و یا در آنها نگینهای عقیق سرخ نشانده شده است، دستبند، النگو، گل سینه ساده، مليله کاری و مرصع به نگینهای سنگی، انواع پولک و دگمه، مهره و آویز و گوشواره، موبند و یک گردنبند زنجیر بافت با آویزهای عقیق سرخ، سنجاق به اشکال و اندازه های گوناگون همراه با زیورهای از سنگهای نیمه بهادر، چند ظرف سیمین، ظروف مفرغی مصرفی و آیینی با پیکرک زن با دم ماهی (تصویر ۹) - الهه ماهی - و آتشدان با پایه هایی به شکل گوساله و اسب و دسته ای به شکل تندیس یک زن از مفرغ (تصویر ۱۰)، ظروف سفالی لعابدار و سنگی، برخی آثار آهنی از جمله تیغه خنجر و چند اثر ساخته شده از ترکیب قیر طبیعی با گرد آهک و کوارتز و آثاری از عاج با شاخ حیوان ویژه نوعی بازی شبیه تخته نرد هستند. در کنار دیوار غربی آرامگاه محلی برای پیشکش آذوقه و قربانی به شکل سکویی از بستر شنی طبیعی باقی بود که بر روی آن استخوانهای جانوران قربانی شده به همراه تعداد زیادی خمره بزرگ ته دگمه ای ویژه آذوقه که در دهانه هر یک لیوانی قرارداده شده

بین حدود سالهای ۵۸۵ تا ۵۳۹ پ.م حکومت کرده و خود را " شاه انزان و شوش " نیز " گسترش دهنده پادشاهی " خوانده است، و به نظر والا عنوان نخست، فی نفسه نمی تواند به تنهایی ملاک تاریخ گذاری حکومت پادشاهانی باشد که مربوط به پیش از سال ۶۴۶ پ.م بوده اند و این نقش برجسته نشان می دهد که هم زمان با روی کار آمدن هخامنشیان درانشان و شوش ( حدود ۵۴۰ پ.م )، شاهکهای ایلامی در دیگر نواحی غرب ایران، از جمله همین شوتور- نهونته پسر ایندد و خراجگزار او هانی در ایزه و احتمالاً در رامهرمز بنا به کشف آرامگاه جوبجی و پادشاهان (ساماتی) در خرم آباد و شاید اومنونو در شوش، در همسایگی این دولت جدید با مسالمت حکومت کرده اند و بدون مبالغه درباره آنها، می توان گفت که حکومت ایلام را ادامه داده اند و به این ترتیب پادشاهان نو ایلامی بعدی، همگی، پس از سال ۶۴۶ پ.م و هنگام سلطنت نخستین شاهان هخامنشی، حکومت کرده اند.

#### هدایای تدفینی در قبور تابوتی جوبجی

بر نگین مرکزی پشت یک دستبند زرین مليله کاری و مرصع خط نوشته ای میخی به زبان ایلامی با نامی زنانه، (ا- نی - نو- م)، حک شده است. این دستبند در دست فرد آرمیده در تابوت شرقی قرار داشت و همراه با استخوانهای مچ دست او به دست آمد. پس شاید نام او (ا- نی - نو- م) بوده است و شاید نام زنانه دیگر (ل-ار-ن) بر روی حلقه زرین متعلق به فرد آرمیده در تابوت غربی باشد. شواهد نشان می دهد که آثار زرین همگی درون تابوتها بوده



## نتیجه:

ایلامیان در دوران سلسله‌های جدید هر چند نتوانستند اقتدار سلسله‌های میانه را حفظ کنند ولی از لحاظ هنری و فرهنگی متوقف نشدند و آثار فراوانی را از خود بر جای گذاشتند، شیوه‌های تدفین در این دوران تقریباً یکسان با دوران قبل از خود بود با این تفاوت که در گورهای شوش در شهر شاهی آنچنان رشد چشم‌گیری را در زیورآلات و هدایای تدفینی نمی‌بینیم. همچنین با یافتن سردیسه‌های تدفینی در گورهای این دوره افول هنر را نسبت به دورانهای قبل از خود مشاهده می‌کنیم زیرا سردیسه‌های ایلام بسیار زیبا و تراشیده شده‌تر از سردیسه‌های ایلام جدید می‌باشند، البته شاید بتوان گفت دیگر در دوران ایلام جدید سنت سردیس‌گذاری در گورها به کلی رو به انقراض می‌رفت و این را نمی‌توان به پای افول هنر در این دوران گذاشت زیرا در گورهای ارجان و جوبجی در بهبهان و رامهرمز شاهد گورهایی هستیم که به طرز شگفت‌انگیزی دارای زیورآلات طلایی و نقره‌ای هستند که با گذشت سالیان دراز هنوز هم جای بسی شگفتی را دارد در این گورها می‌توان نوعی رابطه را با مناطق دوردست‌تر مشاهده کرد که خود به ارتباط ایلام در این دوران با مناطق همجوار اشاره دارد و نفوذ فرهنگ همسایگان در خلق آثار هنری این قضیه را اثبات می‌کند. همچنین در گتوند هم گورهایی سنگی به دست آمده که نشان می‌دهد که در این ایام این قسمت از دشت خوزستان هم به عنوان حاکم نشینی محلی قد علم کرده است البته وجود گورهای نیمه زیرزمینی در منطقه گتوند در دوران ایلام

بود، و نیز تعدادی کوزه‌های کوچک لعابدار بر روی یکدیگر توده شده بود. گذشته از چند اثر در این مجموعه، تابوتها، چند ظرف مفرغی، آتشدانها و یک نمونه از دگمه‌های زرین، که با نمونه‌هایی از گورنها ده‌های آرامگاه ارجان قابل مقایسه هستند و نیز برخی دیگر که شبیه‌هایی در سرزمین ایلام از جمله شوش در دوره‌های ایلام میانی و نو و در میان گورنهاده‌هایی از گورستانهایی چون چم‌زیمومه، ورکبود و جوب‌گوهر دوره آهن نو در لرستان دارند، کمتر اثر مشابهی با این آثار می‌توان در میان مجموعه‌های هنری جهان یافت. همچنین ناگفته نماند که آثار زرین‌ارزشمند هنری موجود در این آرامگاه می‌توانسته در دوره هخامنشی بسیار الهام‌بخش هنرمندان صنعتگر بوده باشد که خود وامدار هنر طلاکاری شوش در گذشته بوده‌اند. همچنین ظروف سنگی این مجموعه نیز یادآور هنر سنگتراشی دوره هخامنشی است. خمره‌ها و لیوانهای ساده سفالی قهوه‌ای روشن با خمیره ترد و شکننده شاخص سفال ایلامی است. اما ظروف سفالی لعابدار کوچکی در این مجموعه به دست آمده که از نظر شکل و لعاب در ظروف مشابه غرب ایران در سده ۷ ق.م شناخته می‌شوند. تنها مهر به دست آمده در این آرامگاه، یک مهر سوسکی شکل از جنس بدل چینی سفید با نقش‌کننده انسانی کاملاً انتزاعی است که نظایر آن در محوطه‌های باستانی دیگر به ویژه غرب ایران از جمله شوش به دست آمده که برخی به دوره آهن و برخی هخامنشی تاریخ‌گذاری شده‌اند. (شیشه گر، ۱۳۸۶: ۱۵-۱)

- مجید زاده، یوسف، جام ارجان، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، مرکز نشر دانشگاهی، شماره ۹۰۸، اسفند ۱۳۶۹

- مجید زاده، یوسف، تاریخ و تمدن ایلام، چاپ دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۶

- معتقد، سوسن، پارچه مکشوفه از تابوت برنزی کیدین هوتران در ارجان بهبهان، اثر، شماره ۱۷، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۶۹

- ولی پور، حمید رضا، گزارش مقدماتی فصل اول کاوش در محوطه کلانتر ۴ (حوضه آبرگیر سد گتوند

خوزستان)، پژوهشکده باستان‌شناسی، ۱۳۸۹

- Alvarez- mon , j, Cosmological And Ideological aspects Of The Arjan Bowl, Sous- Presse Dans , Iranica antiqua ,octobre 2003.

- Alvarez- mon , j, Give to drink, o cup- beaker, the arjan beaker in the context of lion- headed drinking vessels in the ancient near East , Iranica antiqua, vol. xl III ,2008.

- Majidzadeh, Y, The Arjan Bowl, Tehran University, 1981.

-Miroshedji, P. DE. Iadi eutlamite auserpentet auxaux jaillissantes, iranica antiqua, vol. xvi, 1981.

-Stronach, D, The arjan Tomb: Innovation And Acculturation In The Last Days Of Elam, University Of california , Berkeley, Iranica antiqua ,Vol .XL, 2005.

میانہ II هم به اثبات رسیده است که هنوز گزارش آن منتشر نشده است. در پایان باید گفت که طبق آثار بدست آمده در گورهای پادشاهان ایلام در دوران سلسله های جدید به این نتیجه می رسیم که ایلامیان در این دروان بیشتر به تجملات روی آورده و از حکومتداری غافل بودند و شاید همین امر هم موجب نابودی آنها در سال ۶۴۰ ق.م توسط آشور بانی پال شده است.

## منابع و مأخذ :

- توحیدی، فائق و علی محمد خلیلیان، گزارش بررسی اشیاء آرامگاه ارجان بهبهان، اثر، شماره ۹-۷-۸، سازمان حفاظت آثار باستانی ایران، ۱۳۶۱.

- دومیرو شیچی، پیر، لایه نگاری (ایلامی جدید) در شوش (حدود ۱۱۰۰ تا ۵۴۰ ق.م)، شوش و جنوب غربی ایران، زیر نظر ژان پرو و ژنویو دلفوس، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶.

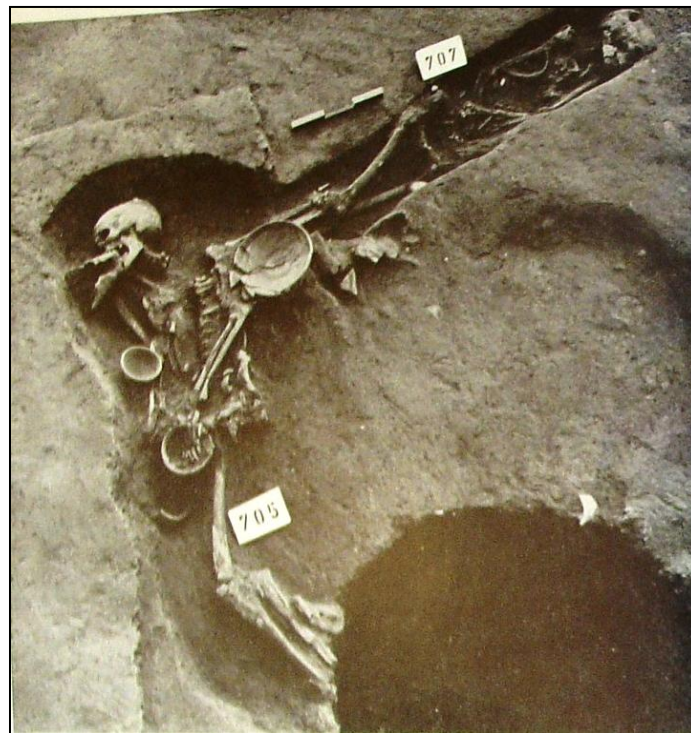
- شیشه گر، آرمان، کشف آرامگاه خانوادگی شاه شوتور نهونته پسر ایندد، پژوهشکده میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۶.

- صراف، محمد رحیم، جام برنزی کیدین هوتران مکشوفه از ارجان بهبهان، اثر، شماره ۱۷، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۶۹.

- علیزاده، عباس و رسول وطن دوست، آرامگاهی مربوط به دوره ایلام نو در ارجان نزدیک بهبهان، مجله اثر شماره ۱۴-۱۳-۱۲، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، تهران، ۱۳۶۵.



(تصویر ۱): مقبره ۷۳۲ همراه با تعدادی ظروف سفالی (ایلام جدید)  
( Demiroschedji, 1981)



(تصویر ۲): مقبره ۷۰۵ و ۷۰۷ همراه با تعدادی ظروف سفالی (ایلامی جدید)  
( Demiroschedji, 1981)



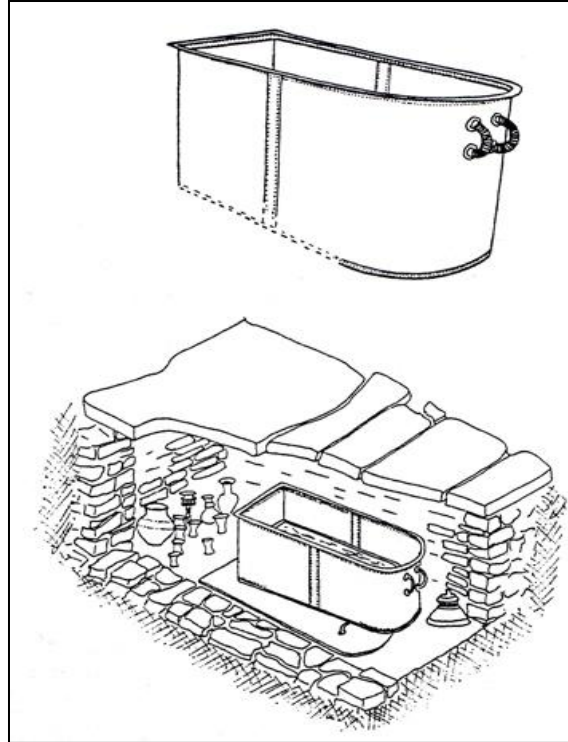


(تصویر 3): آرامگاه نیمه زیر زمینی در گورستان کلاتر ۴ (حمید رضا ولی پور)



(تصویر 4): هدایای تدفینی یافت شده در گور شماره ۱ گورستان کلاتر ۴ شامل مهره عقیق و یک گوی سنگی

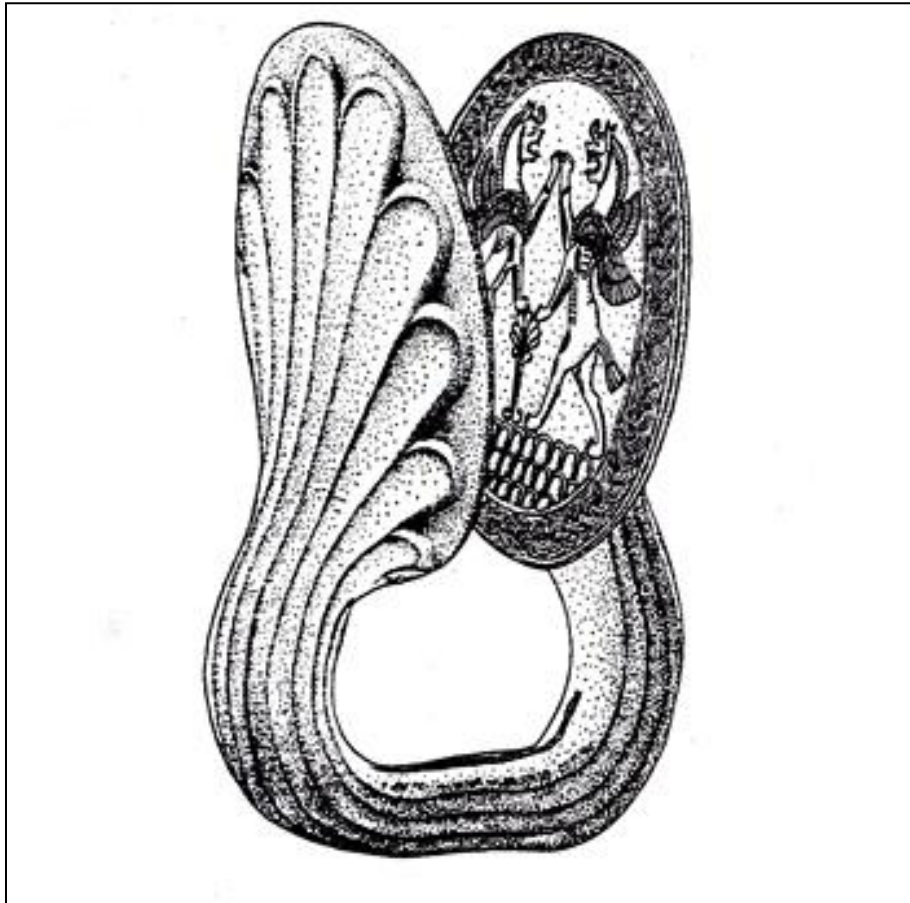
(حمید رضا ولی پور، ۱۳۸۹)



(تصویر ۵): طرح تابوت برنزی ارجان (Stronach, 2005)

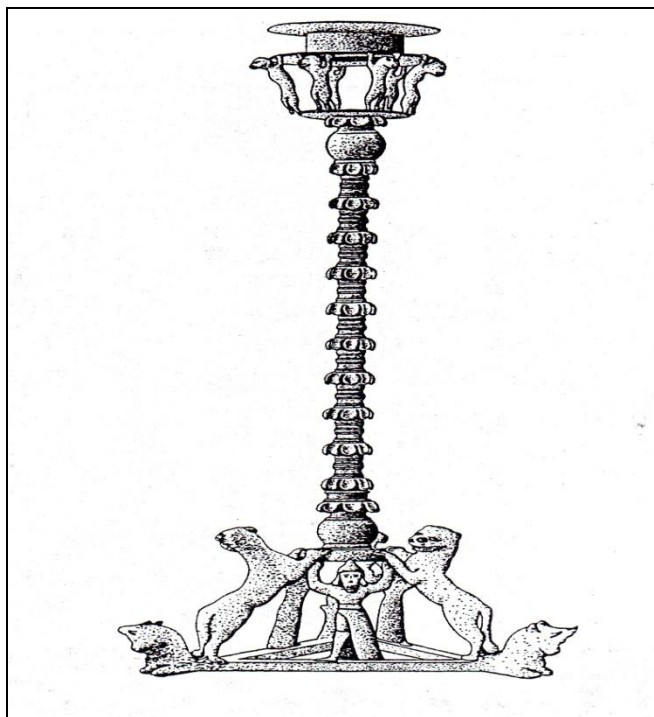


(تصویر ۶): جام مفرغی ارجان، این جام به قطر دهانه ۴۳/۵ و عمق ۸/۵ سانتی متر در درون پنج نوار منقوش به شیوه کنده کاری شده است. (Majidzadeh, 1981 تزئین)

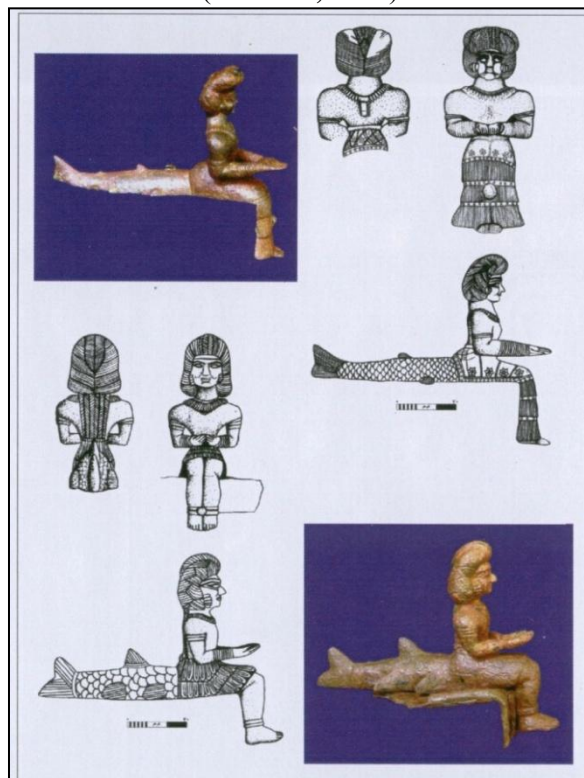


(تصویر ۷): حلقه طلایی ارجان علیزاده، و وطن دوست ۱۳۶۵





(تصویر ۸): سه پایه برنزی ارجان  
(Stronach, 2005)



(تصویر ۹): پیکرک زن با دم ماهی مکشوفه در آرامگاههای جوبجی  
(آرمان شیشه گر، ۱۳۸۶)





(تصویر ۱۰): آتشدان با پایه‌هایی به شکل گوساله و اسب و دسته‌ای به شکل تندیس یک زن از مفرغ (آرمان شیشه گر، ۱۳۸۶)